

## روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری

دکتر مرتضی منادی\*

### چکیده

روش کیفی یا تفسیری یا توصیفی یا ژرف‌نگر، با وجود قدمت تاریخی‌اش پس از سال‌ها خاموشی، در دو دهه اخیر در علوم اجتماعی و علوم رفتاری از اقبال خوبی برخوردار شده است. این روش، با فرضیه‌ی ساختارمند آغاز نشده، یعنی فرضیه آزمایی از اصول آن نیست. هم‌چنین آزمایش تستی را دنبال نمی‌کند و قصد اجرای نظریه‌ای را نداشته، بلکه بعد از جمع‌آوری اطلاعات، در تحلیل‌ها از نظریه‌ها استفاده می‌کند. اعداد در آن نقش ویژه‌ای ندارند و در مقابل تفسیر و تحلیل عمیق داده‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در صورت خوب انجام یافتن یک تحقیق به روش کیفی، آن تحقیق می‌تواند به تبیین نظریه‌ای جدید منتهی شود. رشته‌های مختلفی چون: روان‌شناسی، روان‌کاوی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (یا مردم‌شناسی)، عرصه‌ی استفاده از روش کیفی هستند. مردم‌نگاری، مشاهده، پژوهش در عمل، زندگی‌نامه، مصاحبه و بررسی اسناد نیز از ابزارهای رایج جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی می‌باشند. هدف این مقاله معرفی روش‌های قابل اجرا و رایج در تحقیق کیفی است.

واژه‌های کلیدی: روش پژوهش، روش کیفی، تفسیر، تحلیل محتوی، مردم‌نگاری.

\* عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س).

## مقدمه

در حوزه‌ی پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری (و البته در علوم انسانی دیگر)، با دو روش کمی و کیفی سر و کار داریم. هدف روش کمی که به روش اکتشاف یا روش پوزیتیویستی معروف است، کشف حقیقت یا ماهیت انسان و جهان است؛ لذا محقق با دنبال کردن این روش، تلاش می‌کند تا راه حل مسائل را براساس تجربه و مشاهده بیابد. در مقابل، روش کیفی یا تحلیلی معطوف به فهم رموز و معانی زبان بوده و در پی تحلیل مسائل و پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. امروزه روش سومی به نام روش انتقادی در برخی از پژوهش‌های علوم انسانی نیز مرسوم شده است (باقری، ۱۳۷۴).

اما، در اکثر پژوهش‌های علوم اجتماعی و علوم رفتاری، دو روش کمی و کیفی بیشتر رایج است. هر یک از این دو روش طرفدارانی داشته و در نتیجه سعی در برحق شمردن خود دارند. به عبارتی، بحث، گفت و گو و جدل بین نظریه‌پردازان و طرفداران آنها برقرار است. از دل این چالش، این سؤال اساسی بیرون می‌آید که کدام یک از این دو روش (کمی یا کیفی) بر دیگری مزیت و برتری دارد؟

نگارنده معتقد است که طرح این سؤال اساساً درست نیست و نمی‌توان از برتری یک روش بر روش دیگر صحبت کرد؛ چرا که هر دو روش مزایایی داشته و به طور یقین ضعف‌هایی نیز دارند. ولی نکته‌ی اساسی در این است که اولاً، در مورد بعضی موضوع‌ها یکی از این دو روش بهتر پاسخ می‌دهد و می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و بهتری را پیرامون موضوع مورد مطالعه بیابد. ثانیاً، در بعضی از جوامع یکی از روش‌ها بهتر و مفیدتر می‌تواند عمل کند. ثالثاً، در نظر گرفتن مسئله‌ی هزینه‌های زمانی و مالی موضوع پژوهش، یکی از دو روش را بیشتر می‌طلبد؛ ولی در صورت وجود امکانات و توان پژوهش‌گر، در اکثر موضوع‌ها این دو روش می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

هدف مقاله‌ی حاضر، نقد روش کمی نبوده، بلکه تلاش می‌کند تا پس از معرفی مختصر ویژگی‌های روش کیفی، روش‌های رایج جمع‌آوری اطلاعات و پژوهش‌های انجام یافته در این دیدگاه را مورد بررسی قرار دهد.

## تاریخچه‌ی روش کیفی

استفاده از روش کیفی قدمتی تاریخی دارد (هس و سووا، ۱۹۹۳، ص ۵۳)، ولی شاید در رویکرد جدید علمی و در حوزه‌ی علوم اجتماعی بتوان کارهای مارسل موس (بنیانگذار

مردم‌شناسی) را آغازگر استفاده از این روش دانست. موس در ابتدای قرن گذشته با نگارش کتاب راهنمای مردم‌نگاری، سنگ بنای روش کیفی با شیوه‌های علمی امروزی را پایه‌ریزی کرد (موس، ۱۹۹۲). وی در این کتاب به تفصیل روش‌های مشاهده و تحقیق در اموری همچون: جغرافیای انسانی، سازمان اجتماعی، تکنیک، اقتصاد، حقوق، مذهب، علم، زبان، آداب و هنجارهای جمعی را مورد بررسی قرار داد.

تا اوایل نیمه‌ی دوم قرن بیستم، بیشترین تحقیقات علوم اجتماعی و علوم رفتاری در کشورهای غربی با روش کمی صورت می‌گرفت. برای مثال، نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشر شده در مجله‌های جامعه‌شناسی آمریکا مبتنی بر تحقیق کمی و بررسی‌های آماری بودند (سیلورمن، ۱۳۷۹)، اما نزدیک به سه دهه است که روش کیفی در اکثر پژوهش‌ها در اروپا از استقبال بیشتری برخوردار شده است؛ این در حالی است که در این سه دهه، ما شاهد پیشرفت‌های بسیار زیادی در حوزه‌ی آمار و کامپیوتر بوده‌ایم.

### چیستی روش کیفی

به منظور معرفی روش کیفی، ابتدا نگاهی گذرا از منظر معرفت‌شناختی به این روش داشته، سپس به صورت خلاصه طرق رایج جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

از منظر معرفت‌شناسی هر دو روش کمی و کیفی به دنبال پاسخ به سؤال‌های اساسی آدمی در ارتباط با جهان هستی می‌باشند، منتهی این دو روش، اولاً موضوع را به شکل واحد نمی‌بینند، ثانیاً آن را مشابه هم بررسی نمی‌کنند.

روش کمی، پا، جای پای روش‌های علوم طبیعی گذاشت و دیدگاه تجربی، اثبات‌گرایانه یا دستوری را رونق داد. در این دیدگاه، تلاش می‌شود همچون علوم طبیعی با شناخت متغیرها و اعمال تغییر در بعضی از آنها، تأثیر متغیرها بر هم و بر پدیده‌ی مورد مطالعه مشخص شده و فرضیه‌های ساختارمندی طرح گردد و به بوته آزمون گذاشته شود.

در مقابل، روش کیفی روشی است که بر دیدگاه تفهمی یا تفسیرگرایانه مبتنی است و به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی توجه دارد. پژوهش کیفی بر آن گونه از روش‌های تحلیلی استوار است که در آنها به درک عمیق پیچیدگی‌ها، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌شود (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۰) و می‌کوشد تا

رویدادی را شرح دهد (مارشال، ۱۳۷۷، ص ۵۷). اغلب پژوهش‌های کیفی بر اساس تجربه و مشاهده‌های مستقیم پژوهش‌گر آغاز می‌شود. یعنی باید پژوهش‌گر از قبل با موضوع خود در محیط طبیعی برخورد داشته باشد. در مواقعی پژوهش‌گر موردهایی را به صورت هدفمند از محیط پیرامون خود شناسایی کرده و آنها را مورد مطالعه‌ی دقیق و عمیق قرار می‌دهد (ین، ۱۳۸۱). از این دست نمونه‌ها می‌توان به تک‌نگاری‌های جامعه‌شناس فرانسوی لویلی، پیرامون خانواده‌ها در فرانسه اشاره کرد (لویلی، ۱۹۸۹).

در مورد جایگاه فرضیه در روش کیفی باید این نکته را یادآور شد که هر چند در این روش پژوهش‌گر قصد آزمون فرضیه‌ای را ندارد، ولی این امر بدان معنی نیست که پژوهش‌گر قبل از پژوهش نداند در جست‌وجوی چه چیزی است یا هیچ حدس و گمانی پیرامون موضوع مورد پژوهش خود نداشته باشد. نکته‌ی مهم در روش کیفی آن است که پژوهش‌گر فرضیه‌ای ساختارمند و از قبل تعیین شده را به شکل مرسوم در روش کمی در ذهن خود نمی‌پروراند. به عبارتی، در تحقیق کیفی، در مورد فرضیه انعطاف‌پذیری وجود دارد. به همین دلیل اطلاعات به دست آمده، نتایج پژوهش را هدایت و فرضیه‌ها را شکل می‌دهند.

در اثبات‌گرایی، پس از جمع‌آوری اطلاعات کمی و تحلیل متغیرها، هدف اصلی، آزمایش فرضیه‌ها و تعمیم قوانین به منظور پیش‌بینی و کنترل پدیده‌هاست، در حالی که در روش کیفی پس از جمع‌آوری اطلاعات، پژوهشگر در صدد توصیف، روشن‌سازی و معرفی چگونگی وضع موجود بوده و در مواردی چنین تحقیقی می‌تواند به فرضیه‌ای جدید در ارتباط با چگونگی واقعیت‌های انسانی و اجتماعی بینجامد (سیلورمن، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳).

در ضمن، محدود نبودن در سطح یک یا دو متغیر، از دیگر ویژگی‌های روش کیفی است. توضیح آن‌که در روش کمی به دنبال کشف رابطه‌ی همبستگی بین چند متغیر محدود هستیم؛ در حالی که در رویکرد کیفی، از سویی تعداد متغیرها محدود نبوده و از سوی دیگر به دنبال رابطه‌ی همبستگی بین متغیرها نیز نمی‌باشیم؛ بلکه توصیف و فهم وضعیت موجود و دلایل وجودی آن از اهداف روش کیفی است.

از نظر انتخاب موضوع نیز، روش‌های کیفی بیشتر موضوع‌های قابل لمس زندگی روزمره را انتخاب کرده و در سطح خرد، به صورت عمیق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. از این جهت، روش‌های کیفی در جامعه‌شناسی خرد و نظریه‌های کنش متقابل نمادی (مید،

۱۳۶۳) یا جامعه‌شناسی بالینی (لورو، ۱۹۸۱) کاربرد زیادی دارند؛ بنابراین، توجه به محیط موضوع مورد تحقیق در روش کیفی، بسیار اهمیت دارد (مارشال، ۱۳۷۷ و هس، ۱۹۹۳). هم‌چنین، به دنبال اهمیت محیط، درک معنای استفاده شده توسط افراد در آن زمینه به اعتقاد گارفینکل (سیلورمن، ۱۳۷۹) یا تعریف موقعیت (مید، ۱۳۶۳) بر اساس تعریف شرکت‌کنندگان در آن موقعیت خاص، ملاک می‌باشد. به اعتقاد برجه و لوکمان (۱۹۸۶) دو جامعه‌شناس پدیدار شناس، از سویی واقعیت‌های انسانی و اجتماعی در یک چارچوب اجتماعی ساخته شده و از سوی دیگر، معنی آنها تابعی از تلقی شرکت‌کنندگان حاضر در آن موقعیت خاص اجتماعی است؛ لذا توجه دقیق به موقعیت‌های اجتماعی در روش کیفی اهمیت اساسی دارد (دولوز، ۱۹۹۷، ص ۵). در این رابطه دولوز معتقد است: «در هر گروه اجتماعی، کلمات، اصطلاحات و رفتارهای مخصوصی وجود دارد که فقط اعضاء آن گروه آنها را می‌شناسند و انجام می‌دهند. فقط آن معنی‌ای درست است که خود مجریان می‌گویند؛ نه آنچه که ناظران می‌بینند و مطرح می‌کنند. لذا جهت شناخت افکار و رفتار یک گروه، شناخت نظریه‌های آن گروه ضروری است. روش‌شناسان مردم‌نگر، معتقدند که رفتار آدمی مانند زبان در گفت و گو شرکت می‌کند. در نتیجه هر دو عنصر، همزمان باید مورد مطالعه قرار بگیرد» (همان، ص ۲۳).

به دنبال نکته‌ی مطرح شده، در روش کیفی توجه به معنی و مفاهیم و محیط‌های طبیعی (و نه مصنوعی ساخته شده توسط پژوهش‌گر) و تأکید بر اینکه واقعیت در بیرون از فرد نبوده، بلکه در ذهن فرد وجود دارد. در نتیجه، از طرفی معنی و مفهوم افراد جامعه و از سوی دیگر، این معانی در موقعیت‌های طبیعی که فرد در آن قرار دارد، برای پژوهش‌گر کیفی دارای اهمیت می‌باشد.

در پژوهش کیفی، پژوهش‌گر قصد شناخت واقعیتی را دارد تا به توضیح، توصیف و تفسیر آن بپردازد؛ در نتیجه محقق در استفاده از این روش «اجرای نظریه» را در ذهن نمی‌پروراند. پژوهش‌گر بعد از جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند از نظریه‌های موجود کمک گرفته و نتایج را تحلیل و تبیین کند. در واقع، در روش کیفی محقق از عمل یا واقعیت موجود، به سمت نظریه می‌رود. (لاپاساد، ۱۹۹۱) در نتیجه، پژوهش‌های کیفی در صورت خوب انجام یافتن، نسبت به روش کمی بیشتر می‌توانند به تبیین نظریه بیانجامند.

در صورتی‌که در یک پژوهش کیفی نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شود و این

نمونه معرف واقعیت جامعه پژوهشی باشد و بتواند به صورت دقیق در مقیاسی کوچک اطلاعاتی را یافته و پس از آن در مکان و زمان دیگری همان روش را تکرار کند؛ و به پاسخ مشابه دست یابد، امکان «تعمیم» نتایج میسر می‌شود. بدین ترتیب، انتقاد تعمیم‌ناپذیری روش کیفی حل می‌شود. البته استعداد اندیشیدن پیرامون اطلاعات به دست آمده و تحلیل دقیق آنها نیازمند شناخت علمی و اطلاعات کافی پیرامون موضوع است (کیوی و وان کامپنهود، ۱۳۷۰، ص ۳۶). پژوهش‌گر کیفی باید اولاً شناخت نسبتاً خوبی نسبت به موضوع داشته، ثانیاً تسلط خوبی بر نظریه‌های موجود پیرامون آن موضوع داشته باشد.

نکته‌ی دیگر در پژوهش‌های کیفی نقش «اعداد و ارقام» است. برخلاف پژوهش‌های کمی که اعداد و ارقام و آمار در آن از جایگاه خاصی برخوردار است و توضیح و تفسیر جایگاه ضعیف‌تری دارد، در پژوهش‌های کیفی اولاً، اعداد جایگاه مهمی ندارد و توضیح و تفسیر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (بومارد، ۱۹۹۰، ص ۲۳ و وانکراینت، ۱۹۹۰، ص ۴۵). البته اینکه اعداد جایگاه خوبی ندارند به این معنی نیست که اعداد و ارقام هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند، بلکه اصل اینگونه روش‌ها، بر اعداد متکی نمی‌باشد.

«تحلیل محتوی» یکی دیگر از ویژگی‌های مهم در روش کیفی می‌باشد. تحلیل محتوی، یعنی بررسی عمیق داده‌های جمع‌آوری شده که در تمامی علوم انسانی حتی در ادبیات نیز کاربرد داشته، می‌تواند رابطه‌ی متغیرها و شبکه‌ی ارتباطات را نه در سطح، بلکه در عمق مشاهده و بررسی کند (باردن ۱۹۸۳، ص ۲۶). در این حالت، نکات مهمی را باید در نظر گرفت و مراحل مختلفی را باید پیمود:

۱. در نظر گرفتن تمامی ابعاد فضایی که اطلاعات در آن فضا جمع‌آوری شده است.  
 ۲. روشن کردن واژه‌ها و مفاهیم کاربردی توسط بازیگران آن موقعیت، و سپس رتبه‌بندی کردن آنها.

۳. آشکارکردن بخش‌های پنهانی یک رابطه یا شبکه‌ی روابط موجود بین بازیگران یا بخش‌های مختلف رفتارها و گفتارها؛

۴. روشن کردن ناخودآگاه فردی یا جمعی از طریق تفسیر و تحلیل الفاظ و رفتارها. مجموعه‌ی انجام این مراحل در مورد داده‌های جمع‌آوری شده، تحلیل محتوی را به دنبال خواهد داشت (هس، ۱۹۸۹). در این رابطه می‌توان برای مثال، به تحلیل روان‌کاوی آثار صادق هدایت، توسط محمد صنعتی اشاره کرد (صنعتی، ۱۳۸۰).

به طور خلاصه می‌توان گفت که روش کیفی در صورت خوب انجام گرفتن، علاوه بر مکمل بودن روش کمی می‌تواند قبل از روش کمی و یا بعد از آن در مورد موضوعی انجام پذیرد تا بدین ترتیب، هم صحت مطالب جمع‌آوری شده تأیید شود و هم تحلیل عمیق روش کیفی، کمک به شناسایی دقیق علل به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی یا رفتارهای خاص کند و در نهایت مانند پژوهش‌های ژان پیازه در مورد کودکان، به تبیین نظریه‌ای جهان شمول بیانجامد. لذا شناخت پژوهشگران با روش کیفی می‌تواند منشاء اثر خوبی است در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری به خصوص در امر آموزش و پرورش باشد.

اما در کنار نکات مثبت این روش، یکی از مشکلات و نکات منفی آن، دخالت احساس، اندیشه و عقاید پژوهشگر در موضوع مورد پژوهش است، به گونه‌ای که در مواقعی این عناصر مانع خوب دیدن و درست تحلیل کردن می‌باشند (لورو، ۱۹۸۸). حتی در مواقعی، پژوهشگر می‌تواند تحت تأثیر محیط قرار بگیرد. برای مثال، خانم ژان فاووره سادا (۱۹۸۵) در پی پژوهشی پیرامون سحر و جادو در یکی از کشورهای آفریقایی، تحت تأثیر این اعمال به گفته‌ی خود وی، نگاه خنثی یا عینی (ابژکتیو) خود را در طول پژوهش از دست داد.

### روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

برای درک بیشتر روش کیفی، بهتر است جایگاه آن را در عمل و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این روش تحقیقی را مورد بررسی قرار داد.

از مزیت‌های مهم دیدگاه کیفی، جمع‌آوری اطلاعات بسیار دقیق و نزدیک به واقعیت، در موضوع مورد مطالعه است. در بعضی از موضوع‌ها مانند: نگرش‌ها، تفکرها و نظرهای افراد پیرامون مسائل مختلف اجتماعی و رفتارهای انجام‌پذیر، مانند روش تدریس، امکان دست‌یابی به واقعیت‌ها توسط پرسشنامه خیلی ضعیف است، چراکه اکثر افراد ممکن است واقعیت‌ها را کتمان کنند؛ به صورت کلیشه‌ای یا آرمان‌گرایانه به سؤال‌ها پاسخ دهند؛ در حالی که در مصاحبه‌های عمیق و مشاهده‌های نزدیک، امکان مشاهده‌ی دقیق رفتار و راه یافتن به افکار در مواقع عادی و روزمره و در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات دقیق ممکن است. برخی ابزارها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات که در روش‌های کیفی رایج است عبارتند از: مردم‌نگاری، مشاهده‌کردن، پژوهش در عمل، زندگی‌نامه، مصاحبه و بررسی اسناد. در ادامه به اختصار درباره‌ی هر یک از این روشها نکاتی را بیان می‌داریم.

مردم‌نگاری: مردم‌نگاری، هم به عنوان تکنیک جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده)، و هم به عنوان یک روش تحقیق (مجموعه‌ی نگرشی کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع تحقیق خاص)، و هم به عنوان یک نظریه (نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح می‌باشد (موس، ۱۹۹۲، وودز، ۱۹۹۰، ولپلاتین، ۲۰۰۰).

از نظر لغوی روش مردم‌نگاری، یعنی توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم، ولی از نظر روشی، یعنی روش تحقیق عملی و مطالعه‌ی زمینه‌ای، و مجموعه‌ی روش‌های گردآوری اطلاعات جهت توصیف یک فعالیت خاص اجتماعی و یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد جامعه (لاپلاتین، ۲۰۰۰). مردم‌نگاری با این اصل شروع می‌شود که هر گروه اجتماعی واقعیت خاص خود را می‌سازد و برای شناخت آن باید از درون آن را مشاهده کرد، مطالعه نمود و شناخت. روش مردم‌نگاری، مشاهده‌گر شرکت‌کننده را مجبور می‌کند که در ضمن زندگی در محیط مورد مطالعه علاوه بر شنیده‌ها، اعمال افراد و وسایل پیرامون آنها را نیز مورد مطالعه‌ی دقیق قرار بدهد. برای مثال، کاری که خانم مارتین سگالین در مطالعه‌ی پیرامون خانواده‌های کارگران انجام داد. در این پژوهش وسایل روزمره‌ی زندگی‌شان مانند مبلمان به عنوان ارزش‌های خانوادگی مورد مطالعه قرار گرفت (سگالین، ۱۹۸۷). در ضمن، مردم‌نگار در حین مطالعه‌ی رفتار و افکار به آثار مختلف مکتوب، وسایل زندگی، کار و فعالیت اجتماعی نیز توجه خاص دارد. هدف مردم‌نگار، شناخت و معرفی یک فعالیت یا یک نوع زندگی اجتماعی در موقعیت طبیعی و واقعی، بدون دست‌کاری و تغییر می‌باشد. در واقع، مردم‌نگار مصاحبه‌هایی را انجام می‌دهد که از انعطاف زیادی برخوردار است و مانند یک گفت‌وگوی دوستانه می‌باشد (لاپاساد، ۱۹۹۱، ص ۷). مردم‌نگار هیچ پیش‌فرض ساختارمندی را در ذهن نداشته و در پی آزمون نظریه‌ای خاص نمی‌باشد. پیتروودز، مطالعه پیرامون روش تدریس معلمان و رفتار دانش‌آموزان را در نظام آموزشی انگلیس به صورت مردم‌نگاری انجام داده است. وی در مقام پاسخ به دو سؤال اساسی «در نظام آموزش و پرورش انگلیس چه می‌گذرد؟» و «چرا این اعمال صورت می‌گیرد؟»، نظام آموزش و پرورش انگلیس را مورد مطالعه قرار داده است (وودز، ۱۹۹۰). از کارهای خیلی خوب و در حوزه‌ی دیگر، زندگی چندساله‌ی خانم ژان فاووره سادا در میان قبیله‌ای آفریقایی به منظور مطالعه جایگاه و روش‌های سحر و جادو در بین مردم این قبایل است (ژان فاووره سادا، ۱۹۸۵).

گاهی پژوهشگر بر اساس علاقه‌ی شخصی خود، گروهی را که در جامعه‌ای خاص زندگی می‌کنند، ولی بر اساس فعالیت خاص متمایز از بقیه‌ی افراد جامعه هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. یکی از شاهکارهای معاصر در به‌کارگیری این روش پژوهش زمینه‌ای (مردم‌نگاری) هوارد بکر، جامعه‌شناس برجسته و معاصر آمریکایی است که نتیجه‌ی آن در کتاب معروف وی به نام حاشیه‌روها منعکس گردیده است. بکر در این تحقیق مراحل معنادار شدن گروهی از نوازندگان گروه‌های جاز را مورد مطالعه قرار داده است. وی حتی مدت کوتاهی به استفاده از ماری جوانا مشغول شد تا هم بهتر در گروه مورد مطالعه راه یافته و هم به تفکر آنها در ارتباط با مواد مخدر، بیشتر پی‌ببرد (بکر، ۱۹۹۵).

علاوه بر این، استفاده از روش مردم‌نگاری در کارهای کلاسیک مانند تحقیقات بوآس، مارگاریت مید، مالینوفسکی، لوبلی و غیره قابل پیگیری است (لاپلاتین، ۱۹۹۱).  
**مشاهده:** مشاهده به دو صورت شرکت‌کردن یا شرکت نکردن در گروهی یا در مکانی جهت شناخت فعالیت‌ها، آراء و افکار انسانها قابل استفاده در روش‌های کیفی می‌باشد (پلتو، ۱۳۷۵).

زمانی که محقق بدون شرکت در فعالیتی، آن فعالیت را از نزدیک مشاهده می‌کند، مشاهده‌گر کامل می‌باشد. به عنوان مثال، برای شناخت تماشاچیان فیلم خاصی در سینما، مشاهده‌گر در مقابل درب‌های ورودی یا خروجی سینما قرار گرفته و بر اساس سیاهه‌ی مشاهده از قبل تعیین شده، در پی جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خود می‌باشد. بوردیو جامعه‌شناس معاصر فرانسوی بدین‌گونه بازدیدکنندگان موزه‌ها را مورد مطالعه قرار داد (بوردیو، ۱۹۶۶).

در صورتی که مشاهده‌گر مجبور باشد در فعالیتی شرکت کند تا به تمام جزئیات آن فعالیت و افکار حاکم بر آن پی‌ببرد، مشاهده‌گر شرکت‌کننده می‌باشد. در این حالت فرد مجبور است مانند مردم‌نگار مدتی در بین افراد مورد مطالعه زندگی کند. بومارد در مورد چگونگی تصمیم‌گیری معلمان جهت راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی، بر اساس پرونده‌های تحصیلی آنها، مدتی را به صورت معلم در استخدام دبیرستانی درآمد تا از نزدیک چگونگی تصمیم‌گیری معلمان و تأثیر آن بر آینده‌ی دانش‌آموزان را مشاهده کند (بومارد، ۱۹۸۲).

لاپاساد این دو نوع مشاهده‌گر را به سه نوع مشاهده‌گر تقسیم می‌کند. مشاهده‌گر فعال

(پژوهش‌گر نقشی را در گروه بر عهده دارد)، مشاهده‌گر حاشیه‌ای (پژوهش‌گر در جمع حضور دارد ولی به طور کامل در فعالیت‌های جاری دخالت نمی‌کند)، مشاهده‌گر کامل (پژوهش‌گر فقط به تماشای فعالیتی مشغول می‌باشد، بدون اینکه فعالیتی و نقشی در محیط مورد مطالعه داشته باشد) (لاپاساد، ۱۹۹۱).

**پژوهش در عمل:** اولین کارهای پژوهش در عمل توسط کورت لووین، جهت تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای افراد در بعضی کارها و فعالیت‌های گروهی اجتماعی صورت گرفت. طبق نظر لووین، پژوهش‌گر ابتدا باید وضعیت موجود را دقیقاً بشناسد و سپس به اجرای طرح‌های پیشنهادی خود جهت تغییرات مورد نظر بپردازد. پژوهش در عمل به دو صورت امکان‌پذیر است.

**۱. پژوهش در عمل خارجی:** این نوع پژوهش زمانی انجام می‌گیرد که پژوهش‌گری بنا به دعوت گروهی یا از روی علاقه، وارد گروهی می‌شود و به مطالعه‌ی وضعیت موجود و سپس اعمال تغییراتی در آن گروه می‌پردازد. رمی هس، به کمک یک گروه چند نفره از متخصصین رشته‌های مختلف (جامعه‌شناس، روان‌شناس و اقتصاددان) به سرپرستی خود وی، به دعوت یکی از سازمان‌های مربوط به سازمان ملل متحد، وارد این سازمان می‌شود و می‌کوشد علل عدم موفقیت سازمان ملل در تحقق برنامه‌های از قبل تعیین شده را مورد بررسی قرار دهد (هس، ۱۹۷۸). مطالعه‌ی دقیق پیرامون دانشگاه مونترآل کانادا به دعوت این دانشگاه توسط ژرژ لاپاساد (به همراهی یک اکیپ هفت نفره) در مدت شش ماه (لاپاساد، ۱۹۷۱) و نیز مطالعه مشترک لاپاساد و لورو، پیرامون حوزه‌های علمیه‌ی کلیسای فرانسه، از کارهای به نام در این روش می‌باشند (لاپاساد و لورو، ۱۹۹۶).

**۲. پژوهش در عمل داخلی:** زمانی که یکی از اعضای گروه، یا خود مایل باشد یا توسط مسؤلان گروه مأمور به مطالعه پیرامون فعالیت گروه بشود از روش پژوهش در عمل داخلی استفاده می‌شود (لاپاساد، ۱۹۸۹، ص ۱۵ و ۱۷). پژوهشگر در این روش پژوهشی می‌کوشد بعد از جمع‌آوری اطلاعات و شناخت وضعیت موجود، فعالیت‌هایی جهت بهینه‌سازی گروه انجام دهد. پاتریک ویل، در تحقیقی پیرامون مشکلات درون سازمانی وزارت نیرو در فرانسه از این روش پیروی کرده است (ویل، ۱۹۹۰).

نکته‌ی قابل تأمل در این سه روش یا ابزار جمع‌آوری اطلاعات، (مردم‌نگاری، مشاهده و پژوهش در عمل) رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ و مدت‌دار پژوهش‌گر با موضوع تحقیق

خویش می باشد چرا که تنها در این صورت امکان جمع آوری دقیق اطلاعات میسر می شود. این نکته از ویژگی های مهم روش کیفی است. (هس و سووآ، ۱۹۹۳، ص ۶۱).

زندگی نامه یا تاریخچه ی زندگی: یکی از روش های جمع آوری اطلاعات در رویکرد کیفی، زندگی نامه یا تاریخچه ی زندگی می باشد که امروزه در تحقیقات مختلف علوم اجتماعی و علوم رفتاری مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. در این روش پژوهشگر با شنیدن بخش های مختلف زندگی فردی، می تواند علاوه بر شناخت افکار، اندیشه ها، آراء و آرزوهای فرد، هم متوجه وضعیت موجود وی و هم وضعیت فکری - فرهنگی گذشته ی وی شده، هم مسیر فرهنگی زندگی فرد را در طول زندگی بیابد. پس از جمع آوری تعداد زیادی از تاریخچه ی زندگی افراد متفاوت، می توان هم وضعیت فرهنگی فعلی جامعه ای را شناسایی کرد و هم گذشته ی فرهنگی آن جامعه را شناخت و هم تغییرات فرهنگی جامعه را در طول زمانی خاص فهمید (دلوری مومبرجه، ۲۰۰۰). این روش در حوزه روان کاوی استفاده زیادی داشته، ولی امروزه در علوم اجتماعی و علوم رفتاری نیز جای خود را یافته است (لاپاساد، ۲۰۰۰).

روان کاوی (اعم از فرویدسم یا پسا فرویدسم) نیز به اتکاء مطالعات بالینی فردی در مدت طولانی و مراجعه به متغیرهای گوناگون و ابعاد مختلف وجود انسان به صورت کیفی و عمیق از طریق شنیدن زندگی نامه، سعی در شناخت چگونگی ساختن ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه انسان در طول زندگی کرده و با این روش انسان را به صورت عمیق مورد مطالعه قرار داده است (فروید، ۱۹۹۷).

مصاحبه: در تعداد زیادی از کتاب های روش تحقیق، از مصاحبه نیز به عنوان یک ابزار مستقل در جمع آوری اطلاعات در دیدگاه کیفی نام برده می شود (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶ و کرلینجر، ۱۳۷۴). ماهیت مصاحبه بدین صورت است که پژوهشگر گفت و گوی شفاهی و رودر رو با فرد یا افراد مورد مطالعه ی خود نیز دارد. مصاحبه کننده مصاحبه های خود را یا در حین گفت و گو ضبط می کند یا همزمان یادداشت بر می دارد یا پس از انجام مصاحبه، مطالب اصلی را یادداشت می کند. از ویژگی های مصاحبه نسبت به پرسش نامه، انعطاف پذیری پرسش های پژوهشگر و تغییر پرسش ها جهت کسب اطلاعات بیشتر در حین مصاحبه می باشد.

بررسی اسناد: اسناد در مورد یک موضوع خاص (چه موضوعات تاریخی و چه

موضوعات در ارتباط با زمان معاصر) از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی می‌باشد. اسناد را ابتدا باید طبقه‌بندی کرد و سپس به مطالعه و بررسی آنها پرداخت. اسناد بر اساس اهمیت و گستردگی شان به درجات مختلف تقسیم می‌شوند. هر چقدر پژوهشی به اسناد درجه یک، بیشتر دسترسی داشته باشد، کیفیت تحلیل‌ها دقیق‌تر و بهتر خواهد بود. پلزانس، پژوهشی را بر اساس این روش پیرامون روند حرکت مهدکودک و پیش دبستانی در فرانسه و تأثیر آنها در آموزش دانش‌آموزان انجام داده است. بدین منظور، وی به مطالعه و بررسی آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و نامه‌های ارسالی به این مراکز و برنامه‌ریزی‌های آنها در طی سالهای ۱۹۴۵ الی ۱۹۸۰ توجه داشته است (پلزانس، ۱۹۸۶).

به طور خلاصه می‌توان گفت: روش‌های کیفی اغلب در حوزه‌هایی کاربرد دارد که هدف، شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر پدیده‌های اجتماعی یا رفتارهای فردی باشد. در واقع، در گذر از کاربرد روش کیفی می‌توان پی به ویژگی و اهمیت آن برد. روش کیفی هم در رشته‌های روان‌شناسی، روان‌کاوی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی کاربرد دارد و هم در تعدادی از نظریه‌های خرد؛ مانند کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی و روش‌شناسی مردم‌نگر، که با وجود دیدی خرد، ولی عمیق قابل استفاده و تعمیم در سطح کلان نیز می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه‌ی بحث و مشخص کردن ویژگی‌های روش کیفی، اشاره‌ای به دستاورد روش‌های پژوهش موجود در ایران می‌کنیم. با نگاهی گذرا به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در ایران اعم از رساله‌های فوق لیسانس، دکتری و پژوهش‌های دیگر، چند نکته قابل طرح می‌باشد.

۱. اکثر آنها یا قصد اجرای نظریه‌ای را داشته و یا تستی را آزمایش می‌کنند و فرضیه آزمایشی را در پیش می‌گیرند.
۲. کمتر موضوعها و مسائل قابل لمس و کاربردی را در نظر داشته، و بیشتر موضوع‌های انتزاعی را با دیدی کلان در سطح تأثیر متغیرها در نظر می‌گیرند.
۳. اکثر آنها به صورت کمی، اطلاعات نسبتاً خوبی را جمع‌آوری کرده‌اند، ولی تحلیلی عمیق در مورد اطلاعات به دست آمده صورت نگرفته است، چون رویکرد کیفی بر پژوهش‌ها حکومت ندارد.

این نکته را باید در نظر داشت که هدف پژوهش فقط جمع آوری اطلاعات نیست، بلکه تحلیل اطلاعات جمع آوری شده هدف اصلی تحقیق می باشد؛ کاری که در اکثر پژوهش های کمی صورت نمی گیرد؛ در حالی که اگر مواد خام به دست آمده در روش کمی مورد تحلیل عمیق و کیفی قرار بگیرند، شناخت بیشتر و بهتری را نسبت به موضوع به همراه می آورند و علت های بروز معلول ها بهتر شناسایی می شوند و در پایان امکان معرفی پیشنهادهای عملی و واقعی و قابل اجرا به دست اندرکاران و مسئولین مربوطه بهتر میسر خواهد شد. البته این امر، کمتر ضعف روش کمی را می رساند و بیشتر کاربرد نامطلوب و یا بعضاً ناقص این روش را مطرح می کند. ولی به طور کلی ساختار روش های کمی، تحلیل های عمیق را طلب نمی کند، بلکه دادن آمارها و رابطه های معنی دار بین متغیرها ملاک می باشد.

در پژوهش های کیفی اکثر پژوهشگران موضوع های قابل لمس به خصوص در زندگی روزمره را انتخاب می کنند. هم چنین نگاه ژرف آنها به شناخت موضوع اجازه می دهد که اولاً علت های اصلی وجود پدیده ها، واقعه ها و رفتارهای اجتماعی را شناسایی کرده، ثانیاً در پیشنهادها به صورت تحلیل های کمی دست به نسخه نویسی نزده، بلکه در صورت داشتن راه حل و پیشنهاد، راه های منطقی، توجه به جزئیات موضوع و قابل اجرا بودن با در نظر گرفتن امکانات اجراکنندگان و جامعه داده می شود. نگاهی گذرا به تمام پژوهش های کمی، بیانگر این مطلب است که بدون استثناء به صورت نسخه نویسی، پیشنهادهای سطحی و بسیار زیادی در ارتباط با موضوع پژوهش به جامعه ی پژوهشی و افراد مورد پژوهش و مسئولین مربوطه ارائه می کنند که به لحاظ سطحی بودن، بیشتر حالت شعارگونه دارد. تا امکان عملی بودن. بنابراین، نتایج پژوهش های کمی کمتر توانسته است، گره گشای مشکلات جامعه ی ما باشند و بیشتر در سطح طرح مسئله باقی مانده اند.

دیدگاه کیفی قادر است در کنار روش های کمی به ما کمک کند تا جامعه را بهتر شناخته، دلایل وجودی ویژگی های مختلف جامعه (اعم از مثبت و یا منفی) را بهتر شناسایی کرده، و در حل مشکلات موجود موفق تر بوده و برای ارائه راه حل های قابل اجرا، جهت پیشرفت جامعه قدم های مستحکم تری را بر داریم.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. باقری، خسرو؛ دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، انتخاب و ترجمه. انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵.
۲. پلتوپرتی، ژرژ؛ روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۳. سرمد، زهزه؛ عباس بازرگان و الهه حجازی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
۴. سیلورمن، دیوید؛ روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۹.
۵. شریفی، حسن پاشا و نسترن شریفی؛ روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۶. صنعتی، محمد؛ صادق هدایت و هراس از مرگ، ساخت شکنی روان تحلیلگرانه بوف کور، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۷. کرلینجر، فرد آن، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، مترجمان: دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند. مؤسسه انتشارات آوای نوز، ۱۳۷۴.
۸. کیوی، ریمون، و وان کامپنهود لوک؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک گهر، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۹. مارشال، کاترین؛ گرچن ب، راس من؛ روش تحقیق کیفی، مترجمان: دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. ین، رابرت ک؛ تحقیق موردی، ترجمه‌ی دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.